



گفت و گو با عبدالحمید قدیریان به مناسبت برپایی نمایشگاه هم پای نور در موزه فلسطین «هم پای نور»: جلوه‌های زیبای نور خدا در صحنه‌های مختلف

داود احمدی بلوطکی

می‌خواهم خودم را بفهمم و ارتقا دهم. تلاش می‌کنم تا مفاهیم الهی را بیابم و به واسطه آن، جایگاه خودم را بفهمم.

با این وصف، شما خیلی در قیدوبند زمان برای ترسیم تابلوهایتان نیستید؛ درست است؟

خیر؛ زمانی که من در حال کشیدن تابلویی هستم، زمان فهم من است. تلاش می‌کنم تا بتوانم زوایای مختلف جهان هستی را درک و جایگاهم را در آن پیدا کنم. در تلاشم تا به واسطه برپایی نمایشگاه‌هایی از این دست، توجه مخاطب را به سمت

به مناسبت برپایی نمایشگاهی با عنوان «هم پای نور» در موزه هنرهای معاصر فلسطین فرهنگستان هنر، متشکل از آثار نقاشی عبدالحمید قدیریان، با این نقاش، طراح و کارگردان گفت‌وگویی کرده‌ایم تا دیدگاه وی را در ارتباط با موضوع آثارش بدانیم.

با توجه به نمایشگاه انفرادی قبلی شما با عنوان «آسمان حسین»، به نظرمی‌آید که نمایشگاه فعلی دنباله‌رو نمایشگاه پیشینتان است. لطفاً برای فتح باب، در همین باره توضیح بفرمایید.

من در مجموعه «هم پای نور» تلاش کردم تا با جلوه نور خدا به صحنه‌هایی که در حال تصویرگری آن هستم، نگاه کنم و نور را در آن پُرزنگ جلوه دهم. این هم نوعی نگاه زیبایی‌شناسی است. فکرمی‌کنم فطرت همه ما نور را دوست دارد و همه به طرف نور می‌رویم و چه زیباست که در رابطه با نور، معرفت و قدرت تشخیص هم داشته باشیم. مفاهیمی که من با آنها سروکار دارم مفاهیمی بلند و الهی‌اند. بر همین حساب، زمان بسیاری صرف آثار می‌کنم و کار مرحله به مرحله پیش می‌رود. قصد من صرفاً کشیدن تابلو نیست؛ از این رو ممکن است پس از اتمام کشیدن تابلویی، آن را تغییر دهم و رویش قلم بکشم. هدف و موضوع من، تابلو نیست. موضوع، خود منم.



نور، به عنوان جلوه‌ای از زیبایی‌های خداوند، جلب کنم. من در آثارم به دنبال پاسخ دادن به سؤال‌هایم هستم. مجموعه‌ای از سؤال‌ها در ذهن دارم و این مجموعه ممکن است در ذهن همه ما وجود داشته باشد؛ سؤال‌هایی از قبیل اینکه کجاییم؟ کجا می‌رویم؟ و چه کار باید بکنیم؟

آیا هنر و بالأخص نقاشی را، ابزار کاری مناسب برای پاسخ به پرسش‌هایتان می‌دانید؟

من معتقدم که هنر، قوی‌ترین وسیله برای فهم عالم هستی است. هنرمند موظف است تا نسبت به آن توانایی‌ای که خداوند در اختیارش قرار داده و به امانت گذاشته است، یعنی فهم پیرامون، بی‌اعتنا نباشد و با تشخیصی درست از مسیر حرکت جامعه، راوی راه برای آحاد جامعه باشد. هنرمند در هنگام خلق اثر باید رها باشد؛ اما شاکله کارش را باید از قبل، در ذهنش شکل داده باشد. اگر این‌گونه نباشد و بر پایه ریاضیات و قواعد پیش برود، کار و اثرش فاقد روح خواهد بود.

چه زمانی در آثارتان به این درک رسیدید؟ شما قریب به چهار دهه است که در عرصه هنرهای تجسمی فعالیت جدی دارید. روند شخصیت خودتان را در آثارتان چگونه می‌بینید؟

من در مراحل ابتدایی که آثارم همزمان بود با دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دانشجوی سال اول دانشگاه بودم و تابلوهاییم بیشتر دارای حالاتی معرفتی و علمی بودند. در این دوره با مفاهیم معرفتی از نزدیک آشنا شدم. در این سیر

معرفت‌شناسی، بیشتر مردم به قدری دست خداوند متعال را به وفور در امور می‌دیدند که این موضوع به نحوی عادی شده بود. برای نمونه می‌توانم به ماجرای صحرای طبس اشاره کنم. من هم در این دوره، گمان می‌کنم بیشتر تحت تعلیم و تربیت الهی و در چنین حال و هوایی بودم. سپس وارد مرحله دوم شدم که در این دوران شروع به ترسیم مینیاتور کردم. در این دوره این احساس را داشتم که قرار است با آموزه‌هایی زندگی کنم که در دوره اول طعمش را چشیده بودم. گمان می‌کنم این موضوع به وضوح در آثار مینیاتورم قابل رؤیت است. این دوران به نحوی دوران رخوت من به حساب می‌آید. در مرحله سوم اما متوجه شدم که این خودم هستم که باید حرکت کنم. حرکت به سمت پاسخ دادن به پرسش‌هایم؛ در واقع حرکت به سمت نور. من در این سیر - که فهم معرفتی می‌ناممش - دریافتم که به همان حال و هوای دوره اول برگشتم؛ همان جنس نور.

شما در سینما هم فعالیت جدی دارید و کارهایتان محدود به نقاشی نمی‌شود. گام بعدی شما در عرصه هنر چیست؟

قبل از این دوره که فهم و جست‌وجوی نور در من به وجود آمد، سعی کردم آسمان را بفهمم. در حال حاضر سعی دارم نور را بفهمم و این ادراک را ترویج دهم. در گام بعدی نمی‌دانم با چه چیزی حرکت می‌کنم؛ اما این مُسَلَّم است که تلاش می‌کنم رویه جلو گام بردارم؛ در قالب نگاهی جدید، فهمی جدید و تجربه‌ای جدید. چیزی که مهم است، برداشتن گام رویه جلوست. دوست دارم تجربه جدیدم سینمایی باشد.

